



اواخر سال گذشته یک روزنامه دانمارکی اقدام به چاپ کاریکاتورهایی علیه مسلمانان نمود که در آنها به طور وقیحانه‌ای به پیامبر بزرگ اسلام توهین شده و در آن دین مبین اسلام با تروریسم مساوی انگاشته شده بود. مدتی از این اقدام سخیف نگذشته بود که تعداد دیگری از نشریات دانمارکی مجموعه‌ای از ۱۲ کاریکاتور را مجدداً چاپ کردند و در ادامه، نشریات سایر کشورهای اروپایی از جمله سوئد، نروژ، فرانسه و آلمان به چاپ این تصاویر موهن پرداختند و همین امر اعتراضات گسترده جهان اسلام را در پی داشت و مردم به طور خودجوش برخی کالاها را دانمارکی را تحریم کرده و میلیون‌ها دلار ضرر به شرکت‌های این کشور وارد ساختند. دولت‌های اروپایی برای توجیه این اقدام قبیح، به آزادی بیان متمسک شدند اما صرف نظر از آنکه اساساً توهین به مقدسات در هیچ قاموسی آزادی بیان نیست و همه اقوام و ملل آن را تقبیح می‌کنند، با نگاهی گذرا به عملکرد این دولت‌ها به وضوح مشخص می‌شود که آنها در ادعای خویش درباره دفاع از آزادی بیان نیز صادق نیستند. آنها زمانی که یک واقعه تاریخی مثل هولوکاست توسط محققان و اندیشمندان زیر سؤال برده می‌شود بدون توجه به آزادی بیان نه تنها اخبار آن را سانسور می‌کنند بلکه حتی این افراد، به جرم سخن گفتن و نوشتن به زندان محکوم می‌شوند. زمانی که رئیس جمهور یک کشور آنها را دعوت به تحقیق و پژوهش در این زمینه می‌کند، گستاخانه به او می‌تازند و حتی رژیم صهیونیستی طرح ترور او را علناً مطرح می‌کند.

البته این اقدامات بی‌امدی جز گسترش اسلام و اسلام‌خواهی ندارد به طوری که بسیاری از دولتمردان اروپایی هشدار می‌دهند که در چند دهه آینده قاره سبز به قاره مسلمانان تبدیل خواهد شد و موج اسلام‌خواهی سراسر اروپا را خواهد پیمود و جالب‌تر آنکه اکثر کسانی که به سمت اسلام‌گرایی یافته‌اند نخبگان و زنان این کشورها هستند.

توهین به پیامبر خدا
چرا؟

و میدنگونه



سیاسی

اشاره:

و ناگاه خبری تکان دهنده، اروپا و سپس سراسر جهان را پر نمود که قلم‌ها و دست‌هایی ناپاک در روزنامه‌ای به پیامبر صدها میلیون مسلمان توهین کردند، و این داعیه‌داران حقوق بشر در توجیه این اقدام سخیف به آزادی بیان متمسک شدند. مفهوم مظلومی که همواره مورد سوء استفاده این بشر دوستان! قرار گرفته و به ابزاری سیاسی برای فشار بر مخالفان آنها تبدیل شده است. مادر این مقال به بررسی چرایی توهین به پیامبر اعظم ﷺ و توجیه غرب در برابر این اقدام سخیف و نهایتاً لزوم مجازات عاملان آن می‌پردازیم.

آزادی بیان، بهانه‌ای برای توهین به نبی اکرم ﷺ

آزادی عقیده به معنای آن است که هر شخصی، هر تفکری اعم از سیاسی، اجتماعی، مذهبی را که حق می‌داند آزادانه برگزیند بی‌آنکه در گزینش آن تحت فشار باشد. آزادی بیان نیز تبلور آزادی عقیده است و به معنای ابراز آزادانه اندیشه و اعتقادات می‌باشد. این حق یکی از حقوقی است که در تمام اعلامیه‌های حقوق بشری به صراحت به آن تأکید شده و در قوانین بسیاری از کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد حمایت قرار گرفته است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸

(مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظاتی فردی آزاد باشد.»)

همچنین ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۸ که در سال ۱۳۴۷ به امضای ایران رسید) نیز تصریح می‌کند: «۱- هیچکس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً و خواه به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا هر وسیله دیگری به انتخاب خود می‌باشد...»

هر چند اصول این دو کنوانسیون از هر جهت مورد پذیرش ما قرار ندارد و توسط کشورهای صنعتی و غالب جنگ جهانی دوم نوشته شده است اما برخی از مبانی آن از جمله حق آزادی بیان با قیودی مورد پذیرش اسلام می‌باشد و اسلام در چهارده قرن قبل به آن توجه نموده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به آزادی عقیده و بیان توجه داشته و در اصول مختلف خود به طور مستقیم و غیر مستقیم به این موضوع پرداخته است؛ از جمله اصل ۲۳ ق.ا که مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقاید مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» همچنین اصل ۲۴ به آزادی بیان از طریق مطبوعات اشاره نموده است.

اما آیا آزادی بیان می‌تواند دستاویزی برای توهین به مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان در سراسر جهان شود؟

آزادی بیان در اسلام و حقوق بین‌الملل بدون حد و مرز نیست. بند ۳ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد: «اعمال مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف. احترام به حیثیت و حقوق دیگران؛ ب. حفظ امنیت، نظم یا سلامت و اخلاق عمومی.»

همچنین ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (مصوب نوامبر ۱۹۶۹) با عنوان، آزادی اندیشه و بیان، در عین حمایت از آزادی بیان آن را مطلق نمی‌داند و در صورت تعرض به نظم و اخلاق عمومی و حیثیت افراد، آن را محدود می‌کند. بنابر این تمام اندیشمندان در عین پذیرش آزادی بیان به عنوان یک حق اساسی برای انسان در وجود حدودی برای آن تردید ندارند. اما متأسفانه در عمل خلاف این ادعا مشاهده می‌شود.

غربیان به اصول خود که در خود این کشورها مخالفان فراوانی دارد آنچنان اعتقاد دارند که هیچ نوع مخالفتی را با این اصول بر نمی‌تابند. در برخی از این کشورها حتی حجاب زن مسلمان در ادارات و اماکن عمومی مخالف اصول دموکراسی خوانده می‌شود و به بهانه مخالفت با تروریسم، مدارس و مؤسسات اسلامی تعطیل می‌شود و مظنونین بدون هیچ محاکمه‌ای تحت شکنجه قرار می‌گیرند و شبکه‌های خبری وابسته به مسلمانان از جمله شبکه المنار تعطیل می‌شود. نمونه بارز وحشیگری غرب در مقابل مذاهب را در ماجرای برخورد خشن پلیس آمریکا و قتل عام هشتاد نفر از پیروان فرقه داوودیه و حمایت سران آمریکا از این عمل در ۱۹ آوریل ۱۹۹۳ شاهد بودیم و جالب‌تر آنکه اکثر

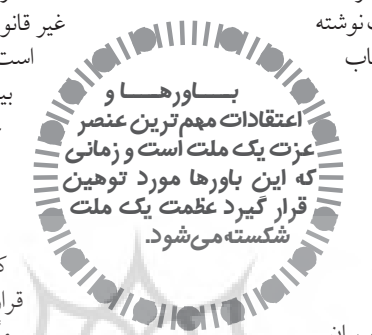
رسانه‌های غربی و آمریکایی توجه چندانی به این موضوع نکردند و حتی پس از شکایت بازماندگان، دادگاه‌های آمریکا به این جنایت ضد بشری وقعی ننهاده‌اند.

پس به وضوح نمایان می‌شود که حقوق بشر و آزادی بیان در قاموس این مدعیان، چیزی جز اعمال مقاصد سیاسی آنها نیست و هیچگاه عملاً به این حقوق انسانی پایبند نبوده و این مفاهیم مظلوم و وسیله‌ای برای اعمال فشار بر کشورهای دیگر بوده است. با وجودی که در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی از جمله بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر هرگونه تحریکات مذهبی و هر عمل غیر قانونی علیه اشخاص و گروه‌ها به واسطه مذهب ممنوع است و در خود کشور دانمارک نیز براساس قانون، آزادی بیان تا جایی جایز است که موجبات هتک حرمت و حیثیت افراد را فراهم ننماید و افکار عمومی را جریحه دار نسازد اما واقعه توهین به پیامبر اکرم ﷺ نشان داد که اجرای قانون نیز در این کشورها گزینشی است و در حالی که به افراد و آرمان‌های آنها توهین می‌شود توهین کنندگان آزادانه فعالیت می‌کنند، و حتی مورد تشویق قرار می‌گیرند.

مگر می‌شود در قوانین و کنوانسیون‌ها و روی کاغذ آزادی عقیده و مذهب را پذیرفت لیکن عملاً نه تنها مجال فعالیت به آنها نداد بلکه اعتقادات آنها را نیز به سخره گرفت؟ آری، این سینه جاکان حقوق بشر و داعیه‌داران آزادی بیان آنجا که پای عمل به میان می‌آید بشر را دور می‌زنند و حقوق را به هیچ می‌انگارند.

مجازات توهین به پیامبر اعظم ﷺ

اسلام با اینکه تنها دین حق را، اسلام دانسته، و پیروان سایر ادیان را به پذیرش دین حق دعوت و با دشمنان دین اسلام که مانع گسترش و پذیرش آن هستند با تمام توان مبارزه می‌کند، متضمن احکام بسیاری در احترام به رعایت حقوق و آزادی‌های انسانی است. اسلام به حقوق پیروان سایر ادیان نیز توجه نموده و نه تنها اجازه توهین به این ادیان را نمی‌دهد بلکه آنها را مجبور نمی‌سازد که از عقاید خویش دست بردارند. اخلاق و منش شخص



پیامبر رحمت ﷺ و امیر المؤمنین (ع) نیز دلالت بر این امر دارد. امیر المؤمنین (ع) در نامه‌ای که به مالک اشتر نگاشته‌اند به رعایت حقوق تمامی مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان تأکید فرموده‌اند. ایشان حتی در زمان جنگ با معاویه نیز اجازه توهین به یاران معاویه را نمی‌دادند.

قرآن کریم در سوره انعام بر این نکته تأکید کرده و بیان می‌دارد: «شما مؤمنان بر آنان که غیر خدا را می‌خوانند دشنام مدهید» و رفتار شخص نبی اکرم اسلام ﷺ و ائمه اطهار (ع) و تأکید قرآن نمایانگر احترام اسلام به پیروان سایر مذاهب است. در قانون اساسی کشور ما نیز به پیروان تمامی مذاهب الهی



تظاهرات مسلمانان در اعتراض به چاپ تصاویر مؤمنان به پیامبر اسلام (ص)

احترام گذاشته شده و علی‌رغم این که در اصل ۱۲، دین رسمی کشور اسلام و مذهب شیعه اثنی‌عشری معرفی شده اما در اصل ۱۳ به پیروان سایر ادیان اشاره کرده و بیان می‌دارد آنها در انجام مراسم دینی خود آزاد هستند و در احوال شخصیه مثل نکاح و طلاق و ... تابع دین خویش می‌باشند.

اسلام در عین توجه و احترام به سایر ادیان، برای باورها و آموزه‌ها و احکام خویش ارزش فراوانی قائل است و با توهین کنندگان به آنها به شدت برخورد می‌کند، زیرا باورها، اعتقادات و احکام، تنها راه دستیابی به سعادت در دنیا و آخرت است و بزرگداشت آنها مقدمه اقبال عمومی به ایشان و پیروی از آنها و دستیابی به سعادت ابدی است و در مقابل، تحقیر آنها و توهین به مقدسات موجب روی گردانی و

بی‌مبالاتی عمومی نسبت به آنها و در نتیجه موجب شقاوت ابدی برای بسیاری از انسان‌هاست.

در قوانین کیفری اسلام مجازاتی که برای ناسزا به پیامبر اکرم ﷺ وضع شده، قتل است و در این مورد اختلافی میان فقهای امامیه وجود ندارد. همچنین بیشتر فقهای اهل سنت نیز همین حکم را جاری می‌دانند. برای نمونه شافعیه گفته‌اند «کسی که نسبت ناروا به رسول خدا ﷺ دهد یا به او دشنام گوید یا به یکی از رسولان الهی که در قرآن ذکر ایشان رفته، دشنام گوید به عنوان حد شرعی کشته می‌شود».

در قانون مجازات جمهوری اسلامی نیز به تبعیت از اسلام برای این عمل در ماده ۵۱۳ مجازات تعیین شده و نه تنها توهین به رسول مکرم اسلام (ع) را در بر می‌گیرد بلکه توهین به ائمه اطهار (ع) و سایر پیامبران بزرگ الهی نیز مشمول این ماده می‌باشد. البته این برخورد شدید در مقابل توهین به اعتقادات مخصوص مسلمانان نیست بلکه در حقوق غرب نیز وجود دارد. در نظام حقوقی Common Law «حقوق عمومی» نیز که متأثر از حقوق کلیسایی است و هم اکنون برخی از کشورهای غربی از جمله انگلیس و آمریکا از آن تبعیت نسبی دارند از دیرباز توهین به مقدسات با عنوان «Blasphemy» جرم شناخته شده است و بعضاً برخورد شدیدی با مرتکبان این جرم صورت می‌گیرد.

البته با توجه به تفاسیری که از این جرم شده فقط توهین به مقدسات مسیحیت را مشمول این جرم دانسته‌اند و بر همین استدلال بود که دادگاه‌های انگلیس شکایات عدیده مسلمانان از سلمان رشدی را نسبت به توهین به پیامبر اکرم ﷺ رد نمودند و این عملکرد دوگانه، علی‌رغم گزافه‌گویی غرب در شعار برابری و تساوی انسان برای روشن‌بینان عالم بدیهی بود.

نتیجه آنکه دین مبین اسلام نسبت به رعایت حقوق همه افراد و حتی حیوانات حساسیت نشان می‌دهد و طبیعی است که چنین مکتبی نسبت به توهین به یکی از اصول مسلم خود یعنی نبوت که تجلی متعالی آن در پیامبر رحمت ﷺ نمود یافته حساسیتی شکرگرف دارد و مجازات هر عملی را خداوند متناسب با قبح آن و پیامدهای ناگوار آن تعیین می‌کند. اما لیبرال دموکراسی غرب نیز نه توهین به اصول خود را برمی‌تابد، نه در دفاع از توهین دفاع از آزادی بیان صادق است، و نه در قوانین رسمی خود، اهانت به افراد و مذاهب را روا می‌داند. کلام خویش را با طرح یک سؤال و تأملی در مکتب لیبرالیسم به پایان می‌رسانیم. سؤال این است که چرا کشورهای مدعی لیبرالیسم حجاب یک زن مسلمان را که جزء اصول اوست بر نمی‌تابند اما در مقابل توهین به پیامبر صدها میلیون مسلمان در سراسر جهان سکوت می‌کنند و حتی از این اقدام شنیع دفاع می‌نمایند؟ آنچه جای تأمل دارد این است که این تناقض عملی ریشه در تناقض نظری دارد: آزادی بیان به طور مطلق با آزادی نقض آزادی نیز سازگار است، علاوه بر آنکه اصل آزادی و قیود و حدودی که به دلخواه برای آن برمی‌گزینند، در این مکتب هیچ مبنایی ندارد.

نتیجه آنکه دین مبین اسلام نسبت به رعایت حقوق همه افراد و حتی حیوانات حساسیت نشان می‌دهد و طبیعی است که چنین مکتبی نسبت به توهین به یکی از اصول مسلم خود یعنی نبوت که تجلی متعالی آن در پیامبر رحمت ﷺ نمود یافته حساسیتی شکرگرف دارد

منابع:

۱. امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۱، چاپ اول.
۲. آیتی، حمید، آزادی عقیده و بیان، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۳، چاپ اول.
۳. کاتوزیان، ناصر، آزادی بیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، چاپ اول.
۴. مؤمنی، عابدین، حقوق جزای اختصاصی اسلام، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۳، چاپ اول.
۵. میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت، تهران نشر میزان، ۱۳۸۰، چاپ اول.
۶. هاشمی، حسین، ارتداد و آزادی، قم، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴، چاپ اول.
۷. روزنامه جوان، ۱۶/۱۱/۸۴.